

### متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام: استاد چندیست دوره ای را شرکت کرده ام بعنوان روانشناسی مزاج از اندیشکده تصریف، بنا به استناد تفسیر حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» از امام صادق که فرمودند معرفت نفس شناخت چهار رکن، چهار ستون، چهار طبع است. ارکان (نور، نار، ریح، آب) و ستون (عقل، ذهن، قلب، حواس)، طبع (دم، ریح، بلغم، مره) و از روایات هستی شناسی خلقت ملائکه و زمین و آسمان و دریا و... نظامی چیده شده که درمان بر پایه آنست. بحث به آنجا رسید که چون روایت کرسی و عرش اشاره دارد که خورشید نورش مرتبه نازله نور عرش است و ملائکه هم که روایت داریم برخی از نور و برخی از هوا هستند برخی به کوچکی مگس. پس نتیجه که ملائکه هم ماده اند و معراج پیامبر هم که جسمانی بوده، پر جبریل هم که می سوخته بالاتر برود همه چیز در عالم بالا که خدا خلق کرده ماده است از همان چهار رکن اولیه منتهی ماده ایست لطیف تر از ماده روی زمینی (البته ابتدا را با کلمه می دانیم) نتیجه کلی که فلسفه را به کل قبول ندارند. استاد حساب روایت ها که اغلب از بحار و اصول کافی و نهج البلاغه هست چه می شود؟ آیا منظور همان مراتب ظهور است که نازلترین آن همین جهان مادیست؟ در معرفت النفس با خواب اثبات کردیم که انسان وجه مجردی فوق زمان و مکان دارد حالا با سخن اینها تناقض داریم هر ماده ای محصور زمان و مکان است. لطفا مسئله را روشن بفرمایید در ثانی ادامه این دوره با این نظام را به صلاح می دانید؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشکل آقایان اطباء اسلامی از ابتدا همین بوده که اصلاً تصویری از موجود مجرد به غیر از خدا ندارند و غیر خدا را مادی می دانند!!!! موفق باشید